

* به نام خداوند جان و خرد*

بررسی آرایه ها و نکات ادبی فارسی

دوره‌ی اول دبیرستان

گردآورنده: سرگروه ادبیات فارسی اندیمشک

علی ابراهیمی

با عرض سلام و درود خدمت همکاران گرامی

توجه شما را به نکات زیر جلب می کنم:

گرد آورنده‌ی این مطلب سعی کرده است که تمام آرایه‌های ادبی به کار رفته در کتاب‌های فارسی هفتم، هشتم و نهم را با ذکر مثال کاربردی از کتب فارسی دوره‌ی اول دبیرستان ذکر کند که مورد استفاده‌ی همکاران قرار گیرد. کاستی‌ها و ایرادات آن (به خصوص مشکلات تایپی) را به بزرگواری خود ببخشایید.

علی ابراهیمی

آرایه های ادبی دوره اول دیرستان در یک نگاه کلی

1- تشخیص (جان بخشی به اشیا - انسان نمایی)

نسبت دادن اعمال و رفتار انسانی به غیر انسان را گویند.

مثال : برق از شوق که می خنده بدین سان قاه قاه ← عمل خنده‌یدن که رفتاری انسانی است به برق نسبت داده شده است.

مثال : شبنم از روی برگ گل برخاست / گفت: می خواهم آفتاب شوم ← بلندشدن و حرف زدن شبنم

مثال: سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور ← سرزنش کردن خار مغیلان

2- واج آرایی (نغمه‌ی حروف)

هرگاه یک حرف یا حرکت چندین بار در نوشته ای بیاید (تکرار یک واج صامت یا مصوت).

مثال : آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار (واج آرایی د).

مثال: کشور ما همواره سرزمن سپند فر و فروغ و فرزانگی و فرهیختگی بوده است(واج آرایی ف)

3- تضاد (طباق)

هرگاه دو کلمه از نظر معنی مخالف و ضد هم باشند.

مثال : آنچه در بر و بحر است از انواع حیوانات ← بر و بحر تضاد

مثال: از ظلمت خود رهایی ام ده / با نور خود آشنایی ام ده ← ظلمت و نور تضاد

مثال: عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای ← عزت و خواری تضاد

4- مراعات نظیر (شبکه‌ی معنایی، تناسب)

هر گاه دو یا چند کلمه در بیت یا نوشته‌ای بیایند و نسبتی با هم داشته باشند این نسبت می‌تواند از نظر جنس، مکان، زمان و ... باشد.

مثال : با چشم ادب نگر پدر را / از گفته‌ی او مپیچ سر را (سر-چشم ← مراعات نظیر * چشم-نگر ← مراعات نظیر).

مثال : کای فلان چاشت بده یا شامم / نان و آبی که خورم و آشامم (چاشت.شام.نان.آب ← مراعات نظیر)

مثال : نیت من در نماز و در دعا / ترس بود و وحشت از خشم خدا (ترس، وحشت، خشم ← مراعات نظیر)

5- تشبیه

مانند کردن چیزی به یک چیز دیگر . هر تشبیه دارای چهار رکن است.

- **مشبه :** کلمه‌ای که قصد تشبیه کردن آن را داریم.
- **مشبه به :** همان چیزی که مشبه به آن تشبیه می‌شود.
- **ادات تشبیه :** کلمه‌ای که مشبه و مشبه به را به هم می‌پیوندد. (همچون ، چون ، مانند ، مثل ، بسان و ...)
- **وجه شبه :** ویژگی یا ویژگی‌های مشترک بین مشبه و مشبه به.

مثال : مادر مانند آب ، پاک و زلال است.

مادر ← مشبه ، مانند ← ادات تشبیه ، آب ← مشبه به ، پاک و زلال ← وجه شبه .

6- اضافه‌ی تشبیه

گونه‌ای از تشبیه است. این نوع تشبیه در واقع به شکل یک ترکیب اضافی می‌آید.

(_____+_____+_____) در اضافه‌ی تشبیهی فقط مشبه و مشبه به می‌آید و معمولاً جای آن در ترکیب اضافی عوض می‌شود. یعنی ابتدا مشبه به و سپس مشبه می‌آید. برای یافتن مشبه به باید به این نکته توجه داشت که معمولاً مشبه به یک چیز دیدنی و ملموس است.

مثال : دفترِ عشق ← عشق به دفتر تشبیه شده است.

مثال : ای هدهد صبا به سبا می فرستمت.(هدهد صبا) ← اضافه تشبیه‌ی. صبا: مشبه - هدهد: مشبه به)

کزو گرم است بازارِ محبت ← بازار: مشبه به / محبت : مشبه

گاهی اول مشبه و سپس مشبه به می آید. مانند: قدِ سرو که در آن قد مشبه و سرو مشبه به است.

7- کنایه

در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و هر گاه عبارتی در دو معنای دور و نزدیک به ذهن به کار رود و مقصود ما معنای دور باشد به آن کنایه گویند. بسیاری از ضرب المثل‌ها به نوعی کنایه‌اند.

مثال: یکی را به سر بر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

* تاج بر سر نهادن ← معنای نزدیک : تاج را روی سر قرار دادن

معنای دور : گرامی و بزرگ داشتن

* یکی را به خاک اندر آرد ز تخت ← نزدیک : یکی را از تخت بر روی خاک انداختن

دور : کوچک و پست شمردن

8- مبالغه (اغراق ، بزرگ نمایی)

اگر هنگام توصیف کسی یا چیزی زیاده روی کنیم و ان را بسیار بزرگ تر از انچه هست بیان کنیم به آن اغراق یا مبالغه گوییم . مبالغه یعنی بزرگنمایی

مثال : شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب ← اغراق در توصیف افراسیاب

مثال : خون میان سنگ آزادگان جوشید (جوشیدن خون ← کنایه از خشمگین شدن و بزرگنمایی و اغراق)

مثال : یک روز از آسمان آتش بارید (باریدن آتش ← مبالغه یا بزرگنمایی)

9- سجع

در لغت به معنی آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی به واژه های پایانی دو یا چند جمله می گویند که در حرف و حرکت آخر مشترک باشند. سجع مانند قافیه در شعر است و به نظری که در آن سجع به کار رفته باشد نثر مسجع گویند.

مثال : فرزندان در پرتو گرم و گوارای مادر ، جان می گیرند و می پرورند و می بالند. (می گیرند، می پرورند و می بالند ← سجع)

مثال : آنچه را نپاید ، دلبستگی نشاید. (نپاید و نشاید ← سجع)

مثال: حکیمی گفته است: افسوس که جوان نمی داند و پیر نمی تواند(نمی داند و نمی تواند←سجع)

10- تلمیح

در لغت به معنای با گوشه ی چشم اشاره کردن است و در اصطلاح ادبی آن است که در میانه ی سخنی به آیه، حدیث، داستان، واقعه یا مثال و شعری معروف اشاره کنیم.

مثال : گلستان کند آتشی بر خلیل (اشاره به داستان حضرت ابراهیم)

مثال : گروهی به آتش بَرَدْ ز آب نیل (اشاره به داستان حضرت موسی)

مثال: ملکا ذکر تو گوییم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی (نصراع اول اشاره با آیه ← الحمد لله رب العالمين - نصراع دوم اشاره به آیه ← اهدنا الصراط المستقیم)

11- جناس

آوردن دو یا چند کلمه است که دقیقاً یا تقریباً در نوشتار به یک صورت باشد اما معانی آن ها متفاوت باشد. جناس بر دو نوع است:

• جناس تام : اگر دو کلمه دقیقاً مثل هم باشند ولی معنایشان با هم فرق کند جناس تام گویند.

مثال : در پیله تا به کی بر خویشتن تنی / در بسته تا به کی در محبس تنی (تنی با تنی جناس
تام دارد در مصراع اول به معنای می بافی و در مصراع دوم به معنای جسم خود می باشد.)

مثال : بهرام که گور می گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت(گور با گور جناس
تام دارد گور اول به معنای گورخر و گور دوم به معنای قبر می باشد.)

• **جناس ناقص :** که خود بر سه نوع است:

➢ **جناس ناقص حرکتی:**

اگر دو کلمه فقط در مصوت کوتاه (ا، اه) با هم فرق کند . مانند : (ملک و مُلک)
و (گُل و گِل) و (دَر و دُر)

➢ **جناس ناقص اختلافی :**

اگر دو کلمه فقط در یک حرف با هم فرق کنند
مانند: بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار/خوش بود دامن صhra و تماشای بهار
(نهار و بهار جناس ناقص اختلافی دارند.)

او خدو انداخت بر روی علی/ افتخار هر نبی و هر ولی (علی و ولی جناس ناقص
اختلافی دارند.)

➢ **جناس ناقص افزایشی:**

اگر یکی از دو کلمه فقط یک حرف از دیگری بیشتر داشته باشد.

مثال : خبرت هست که مرغان سحر می گویند/ آخر ای خفته سر از خواب جهالت
بردار (سَحَر و سَر)

مثال: حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/ تا بود وردت دعا و درس قرآن غم
نخور (تار، تا) و (در ، درس)

12-تضمين

آوردن مصراع یا بیتی از شاعر دیگر در شعر خود یا آوردن آیه یا حدیثی در میان سخن و کلام
خود را گویند . (در تلمیح شاعر اشاره به حدیث یا آیه می کند ولی در تضمین عین آیه یا حدیث یا
شعر ذکر می شود.)

مثال:

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد که رحمت بر آن تربت پاک باد
میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
بیت دوم را سعدی در میان شعر خود ، از فردوسی ذکر کرده است.

13- تکرار

اگر دو یا چند واژه را که از نظر ظاهر و معنی کاملاً یکسان است در شعر یا نوشه به کار ببریم به آن تکرار گویند.

مثال : تا توانی می گریز از یار بد / یار بد بدتر بود از مار بد (یار بد دوبار آمده است و تکرار است)

مثال: همی دانه و خوشة خرووار شد/ ز آغاز هر خوشة خرووار نیست(خوشة و خرووار ← تکرار)

مثال: زود می گفتند:این کار خداست/ پرس و جو از کار او کاری خطاست(کار ← تکرار)

14- مجاز

به کار بردن واژه در معنایی غیر حقیقی به شرط آنکه میان معنای حقیقی و غیر حقیقی پیوند و ارتباطی برقرار باشد.

مثال : ای دل غم دیده حالت به شود دل بد مکن / وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور (دل مجاز از شاعر یا هر انسان دیگر و سر مجاز از فکر و خیال)

مثال: خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی(سنگ و چوب ← مجاز از بت ها)

مثال: نان آبی خورم و آشامم(نان و آب ← مجاز از غذا)

مثال: آل احمد همه عطشان از بزرگ و کوچک / نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنہ (بزرگ و کوچک ← مجاز از همه اهل بیت امام حسین(ع))

اصطلاحات ادبی

بیت: به هر دو مصراج یک بیت می گویند.

مصراج: کوچک ترن سخن موزون را یک مصراج می گویند. در واقع مصراج نیمی از یک بیت است.

مثال:

بی نام تو نامه کی کنم باز	یک بیت	{ای نام تو بهترین سر آغاز
المصراج	المصراج	المصراج

قاфیه: به کلماتی می گویند که در پایان مصراج ها می آیند و حروف و حرکت پایانی آن ها یکی است.

مثال: راستی را کس نمیداند که در فصل بهار / از کجا گردد پدیدار این همه نقش و نگار	قافیه	قافیه
ردیف	ردیف	ردیف

ردیف: در صورتیکه یک یا چند کلمه عیناً و بدون تغیر در شکل و معنا در آخر هر بیت و پس از قافیه تکرار شده باشد ردیف نام دارد.

مثال: دوستی از من به من نزدیک تر / از رگ گردن به من نزدیک تر	ردیف	ردیف
ردیف	ردیف	ردیف

تلخیص: نام و شهرت شعری شاعر را تخلص می گویند.

مثال : سعدیا راست روان گوی سعادت برند

مثال: حافظا در کنج فقر و خلوت شب های تار/تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

موقوف المعانی: به بیت‌هایی گفته می‌شود که معنای آنها به هم وابسته است، یعنی معنای یک بیت با بیت یا بیت‌های بعدی کامل می‌گردد.

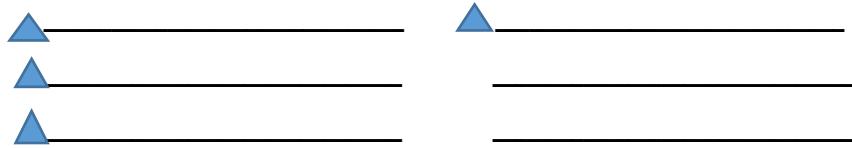
{ کن نیک تامل اندر این باب
 } هر روز که روی به جامه خواب
 { کان روز به علم تو چه افزود
 } وز کرده‌ی خود چه برده‌ای سود

منظوم: هر سخنی که به صورت شعر سروده شود.

منتور: هر سخنی که به صورت نثر و نوشته باید و هر سخنی که به صورت شعر نباشد.

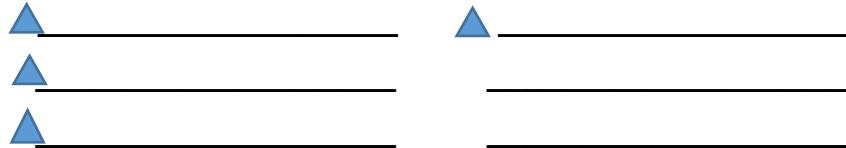
قالب‌های شعری

1-**قصیده:** شعری است که مصراع اول بیت اول آن با تمام مصراع‌های زوج هم قافیه باشد.



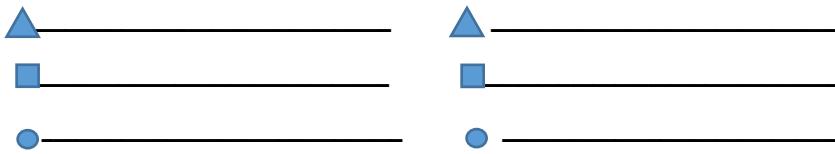
تعداد ابیات قصیده بین 15 تا 70-80 بیت است. موضوع قصیده: ستایش، نکوهش، وصف طبیعت، بیان نکات اخلاقی و ... است.

2-**غزل:** در شکل ظاهري و جای قرار گرفتن قافيه شبيه قصیده است.



اما در تعداد ابیات و موضوع با قصیده تفاوت دارد. تعداد ابیات غزل بین 5 تا 13-14 بیت است. موضوع غزل : عشق، عرفان، گفت و گو از ایام جوانی

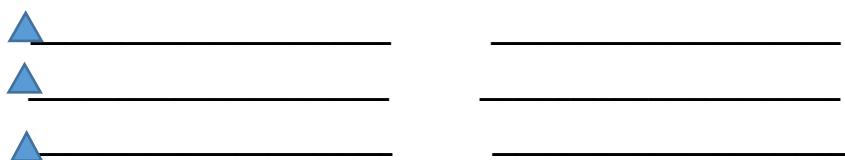
3- مثنوی: شعری است که هر بیت ان قافیه ای جداگانه دارد.



در سروden مثنوی هیچ گاه با کمبود قافیه روبرو نیستیم، به همین خاطر مناسب ترین قالب برای بیان داستان های بلند منظوم است.

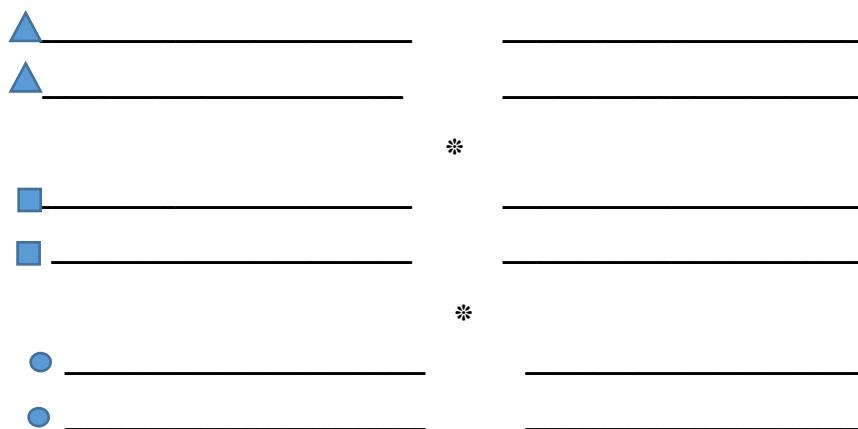
موضوع مثنوی: حماسی و تاریخی مثل شاهنامه‌ی فردوسی ، اخلاقی و تعلیمی مثل بوستان سعدی ، عاشقانه و بزمی مثل خسرو و شیرین ، نظامی و عارفانه مثل مثنوی مولوی

4- قطعه: شعری است که مصraig های دوم ان با هم هم قافیه است.



موضوع قطعه : مطالب اخلاقی و تعلیمی ، پند و نصیحت

5- چهار پاره (دوبیتی نو) : قالب شعری است که ترکیبی است از چند قسمت دوبیتی که هر دو بیت قافیه ای جداگانه دارند.



موضوع چهار پاره معمولاً مسائل اجتماعی است.

6- دوبیتی: به شعری گفته می شود که 4 مصراع دارد.



البته گاهی مصراع سوم هم قافیه دارد.

7- رباعی: شکل قرار گرفتن قافیه همانند دوبیتی است.

راه تشخیص دوبیتی از رباعی : کافی است کلمه‌ی اول مصراع اول را همانند دوره‌ی ابتدایی بخش بخش کنیم. اگر بتوانیم صدای بخش اول آن را با یک حرف نشان دهیم ، دوبیتی است و اگر با دو حرف نشان دهیم رباعی است.

مثال: ز دست دیده و دل هر دو فریاد ← ز ← دوبیتی
کفر چو منی گزارف و آسان نبود ← کُفر ← رباعی

8- شعر نو (نیمایی): شعری است که طول مصراع‌های آن یکسان نیست (کوتاه و بلند است) و قافیه در آن جای مشخص و معینی ندارد.

موضوع شعر نیمایی: عشق، سیاست، اجتماع و ... است.

